

تحلیل زبان‌شناختی بازتاب «برجام» در گفتمان‌های رقیب

بر اساس رویکرد انتقادی فرکلاف^۱

زهرا مظفری^۲

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

این جستار با هدف آشکارسازی روابط پنهان قدرت و ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک موجود در متون زبانی در چارچوب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به بررسی بازتاب برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) در رسانه مطبوعاتی متعلق به دو گفتمان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب می‌پردازد. داده‌های این پژوهش را متون تولیدشده در روزنامه کیهان متعلق به گفتمان اصول‌گرا و روزنامه شرق متعلق به گفتمان اصلاح‌طلب در بازه زمانی مشخص (تیرماه ۱۳۹۴ تا بهمن‌ماه ۱۳۹۴) حول محور برجام تشکیل می‌دهد. دو پرسش عمده این پژوهش از این قرار است: ۱- تفاوت‌های ایدئولوژیک در ارتباط با برجام چگونه در روزنامه‌های مربوط به دو گفتمان رقیب (اصلاح‌طلب و اصول‌گرا) بازتاب یافته‌اند؟ ۲- این دو گفتمان رقیب از چه استراتژی‌های زبانی با توجه به موضع ایدئولوژیک خود در خصوص برنامه برجام بهره گرفته‌اند؟ تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن بود که هر دو گفتمان رقیب در متون تولیدشده خود کوشیده‌اند با بهره‌گیری از استراتژی‌های زبانی همچون روابط مفهومی واژه‌ها اعم از باهم‌آیی‌ها، تشبیه، کنایه، علائم سجاوندی، نقل قول و ... موضع ایدئولوژیک خود را نشان دهند و به تخریب وجهه گفتمان رقیب بپردازند. گرچه کاربرد بعضی استراتژی‌ها در گفتمان اصول‌گرا بیشتر به چشم می‌خورد. گفتمان اصلاح‌طلب بیشتر سعی در بازتاب مثبت برجام داشته و کمتر به ارزشیابی منفی گفتمان رقیب پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد فرکلاف، برجام، رسانه.

برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) توافقی بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای ایران است که در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، انگلیس، فرانسه و آلمان) در شهر وین اتریش صورت گرفت. پس از آن شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ۲۲۳۱، از این توافق حمایت کرد و با گنجاندن آن در حقوق بین‌الملل عمل به برجام را به صورت قانونی الزام‌آور نمود. در واقع مذاکرات در خصوص برنامه هسته‌ای ایران در نوامبر ۲۰۱۳ با پذیرفتن توافق موقت ژنو با شش قدرت جهانی شروع شده بود. پس از توافق ژنو، دو طرف مذاکرات را به مدت ۲ ماه ادامه دادند تا سرانجام در آوریل ۲۰۱۵ به تفاهم لوزان به عنوان چارچوبی برای توافق وین دست یافتند. طبق توافق لوزان، ایران ذخایر غنی شده خود را پاکسازی خواهد کرد و ذخیره‌سازی اورانیوم تا غنای ۹۸ درصد را متوقف می‌کند و تعداد سانتریفیوژها حدود $\frac{2}{3}$ و به مدت ۱۵ سال کاهش خواهند یافت. ایران موافقت کرده است تا ۱۵ سال بعد اورانیوم را بیش از ۳/۶۷ درصد غنی‌سازی نکند یا تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جدید یا راکتور آب سنگین جدیدی نسازد. بر اساس برجام و در ازای اجرای تمامی این تعهدات، ایران از ذیل تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و آمریکا خارج خواهد شد. مسئله برجام بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها، روزنامه‌ها و سایت‌های خبری داخلی و خارجی داشت. رسانه‌ها نقش مهمی در شکل دادن افکار عمومی ایفا می‌کنند. از جمله این رسانه‌ها، روزنامه‌ها هستند که با انتشار و جابه‌جایی اخبار و اطلاعات در جامعه و اطلاع‌رسانی در این زمینه باعث انتقال جنبه‌های مثبت و منفی هر اتفاق می‌شوند. روزنامه‌ها به دلیل وابستگی‌های ایدئولوژیک و حزبی خود از زوایای فکری مختلفی به تحولات جامعه می‌نگرند و در انعکاس و برجسته‌سازی این تحولات و رویدادها به شیوه‌های مختلفی عمل می‌کنند. تحلیل محتوای روزنامه از یک سو کمک می‌کند تا وقایع و رخدادها را یک دوره زمانی خاص شناخته شود و از سوی دیگر برای درک دیدگاه‌های ایدئولوژیکی موجود نسبت به رویدادهای هر روز نیز مفید خواهد بود.

مطالب درج‌شده در روزنامه‌ها دارای وزن یکسان نیستند و روزنامه‌ها در همه مطالب خود نیز جهت‌گیری ایدئولوژیک ندارند و در این میان برخی قالب‌های ارائه خبر همچون تیترهای اصلی صفحه اول، سرمقالات، یادداشت‌های روز و ستون‌های ویژه از اهمیت ایدئولوژیک بیشتری برخوردارند. در این پژوهش بر آنیم تا به تحلیل گفتمان انتقادی^۳ بازتاب برجام در روزنامه کیهان متعلق به

گفتمان اصول‌گرا و روزنامه شرق متعلق به گفتمان اصلاح‌طلب پردازیم. در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی همچون سایر حوزه‌های مطالعاتی علوم، رویکرد واحدی وجود ندارد و تفاوت‌هایی در بنیان‌های نظری و ابزارهای تحلیل در این رویکردها به چشم می‌خورد. در این میان رویکرد فرکلاف^۴ را جامع‌ترین چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی به حساب می‌آورند، چرا که ابزار دقیقی برای بررسی متن در اختیار گفتمان‌کاو انتقادی قرار می‌دهد. الگوی وی نشأت گرفته از تعامل میان قدرت و زبان است. فرکلاف گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند، «گفتمان به مثابه متن، گفتمان به مثابه اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید، تفسیر متن و گفتمان به مثابه زمینه متن به معنای روابط کنش‌های گفتمانی و بسترهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۴).

این پژوهش در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف سعی در آشکارسازی ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در مطبوعات متعلق به دو گفتمان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب در خصوص مسئله برجام دارد، چرا که مطبوعات را می‌توان واسطه‌هایی به حساب آورد که با توجه به مواضع ایدئولوژیک خود به روایت‌های متفاوتی از یک واقعیت می‌پردازند.

با پیروی از رویکرد فرکلاف (۱۹۹۸)، تحلیل در سه سطح انجام خواهد گرفت. الف) توصیف: در این قسمت با استفاده از جعبه ابزار زبانی رویکرد فرکلاف، به تحلیل زبانی متن می‌پردازیم. ب) تفسیر: به تفسیر بافت موقعیتی و عوامل بینامتنی رخداد ارتباطی مورد نظر خواهیم پرداخت. ج) تبیین: در این بخش، به تبیین رابطه رخداد ارتباطی با مناسبات قدرت یعنی فرایندهای نهادی و اجتماعی خواهیم پرداخت.

رخداد ارتباطی مورد نظر را اخبار منتشرشده اعم از سرمقاله، یادداشت‌های روز و ستون ویژه در روزنامه کیهان و شرق متعلق به دو گفتمان رقیب اصول‌گرا و اصلاح‌طلب در بازه زمانی بین تیرماه ۱۳۹۴ تا بهمن‌ماه ۱۳۹۴ تشکیل می‌دهند.

۲- تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی یکی از گرایش‌های نوین در حوزه تحلیل گفتمان است که ریشه در زبان‌شناسی انتقادی دارد که نخستین بار در سال ۱۹۷۹ در کتابی که فالر^۵، هاج^۶، کرس^۷ و ترو^۸ تحت عنوان زبان و

4. N. Fairclough
5. R. Fowler
6. R. Hodge
7. G. Kress
8. T. Trew

کنترل تألیف کردند، به کار رفت. در واقع گفتمان‌کاوان انتقادی برآنند تا با استفاده از ابزار زبانی و ارجاع به زمینه تاریخی و اجتماعی متن تولیدشده، ایدئولوژی پنهان را جهت بررسی انتقادی از لایه‌های زیرین متن آشکار کنند. لذا می‌توان تحلیل گفتمان انتقادی را ابزاری جهت شفاف‌سازی سیاسی، اجتماعی و نابرابری‌های اجتماعی دانست. از جمله رویکردهای متفاوتی که در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی مطرح شده‌اند، می‌توان به مدل اجتماعی-شناختی^۹ ون دایک^{۱۰} (۱۹۸۵، ۱۹۸۸، ۱۹۹۰، ۱۹۹۷)، و الگوی سه‌لایه‌ای فرکلاف (۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸) اشاره کرد.

فرکلاف (۱۹۸۹: ۵) در اثر اولیه خود رویکرد خود را به زبان و گفتمان، «مطالعه انتقادی زبان» معرفی می‌کند. در حال حاضر رویکرد وی یکی از جامع‌ترین رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی است. چارچوب تحلیل در رویکرد فرکلاف را زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی تشکیل می‌دهد. این رویکرد همچنین از تعدادی مفاهیم موجود در نظریه‌های انتقادی اجتماعی نیز بهره می‌برد؛ نظیر مفهوم نظم‌های گفتمانی^{۱۱} فوکو^{۱۲}، مفهوم هژمونی گرامشی^{۱۳} و مفهوم استعمار گفتمان^{۱۴} هابرماس^{۱۵}. فرکلاف گفتمان را این گونه تعریف می‌کند:

«من گفتمان را مجموعه به‌هم‌تنیده‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی^{۱۶} (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن می‌دانم. تحلیل یک گفتمان خاص تحلیل هر یک از این سه بعد و روابط میان آنها را طلب می‌کند. فرضیه ما این است که پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیه می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد».

(فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷ و ۹۸)

دو مفهوم عمده در رویکرد فرکلاف، قدرت و ایدئولوژی است. روابط قدرت از منظر فرکلاف نامتقارن، نابرابر و سلطه‌آور است. وی بر نقش برجسته زبان و ایدئولوژی در توجیه، تولید و بازتولید سلطه و روابط نابرابر قدرت تأکید می‌کند. قدرت اشاره به روابط نابرابری دارد که در آن بعضی افراد نسبت به بعضی دیگر قدرتمندتر هستند. جانستون^{۱۷} (۲۰۰۸) معتقد است قدرت امتیازی است که یک گروه یا شخصی دارد و دیگری ندارد. قدرت از منزلت اجتماعی ناشی می‌شود. ایدئولوژی را ایده و

9. socio-cognitive

10. T. Van Dijk

11. socio-cognitive

12. M. Foucault

13. A. Gramsci

14. discourse colonization

15. J. Habermas

16. discourse practice

17. B. Johnstone

عقایدی تعریف می‌کنند که به قانونی کردن منافع یک طبقه یا گروه حاکم کمک می‌کند. ایدئولوژی نیز از منظر فرکلاف همان معنا در خدمت قدرت است. این معانی هستند که بار ایدئولوژیک پیدا می‌کنند و غالب منظور از معانی صرفاً یا عمداً معانی واژگانی است. معنای واژگانی اعم از پیش‌فرض‌ها، اشاره‌های متنی، استعاره‌ها و انسجام‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. فرکلاف در تعریف ایدئولوژی می‌نویسد:

«ایدئولوژی پیوستگی نزدیکی با زبان دارد. استفاده از زبان معمولی‌ترین شکل رفتار اجتماعی است. همین جاست که روی مفروضات عقل سلیم تکیه می‌کنیم. اعمال قدرت در جوامع نوین به طور روزافزون از طریق ایدئولوژی به ویژه از طریق کارکردهای ایدئولوژیک زبان صورت می‌گیرد».

(فرکلاف، ۱۹۹۵: ۲)

۲-۱- مدل سه‌لایه‌ای فرکلاف

الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف نشأت گرفته از تعامل میان قدرت و زبان است. وی به دنبال این است که نشان دهد رخدادها و متون از دل مناسبات قدرت بیرون می‌آیند و وارد مبارزات قدرت می‌شوند. از منظر فرکلاف زبان بخشی از جامعه است و این یعنی اجتماعی بودن پدیده‌های زبانی، اما رابطه بین زبان و جامعه یک رابطه متقارن و یک به یک نیست؛ می‌توان گفت جامعه کل است و زبان بخشی از آن را تشکیل می‌دهد. الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف شامل سه مرحله توصیف^{۱۸}، تفسیر^{۱۹} و تبیین^{۲۰} می‌باشد.

توصیف

هدف از این بخش آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن است که به کمک ابزارهای زبانی انجام می‌گیرد. در این مرحله گفتمان‌کاوا انتقادی با تمرکز بر واژه‌ها، وجوه دستوری و تحلیل زبان‌شناختی متن به جستجوی ارزش‌های تجربی، بیانی و رابطه‌ای می‌پردازد. در ارزش تجربی، تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می‌شود. زمانی که از کلمات متفاوت برای توصیف یک رویکرد واحد استفاده می‌شود، ناظر بر تفاوت تجربه از جهان است. ارزش رابطه‌ای با رابطه‌ها و روابط اجتماعی سروکار دارد، همچون استفاده از القاب متفاوت برای اشاره به یک فرد. ارزش بیانی اشاره به ارزشیابی تولیدکننده از بخشی از واقعیت است و با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سروکار

18. description
19. interpretation
20. explanation

دارد؛ مثلاً استفاده از صفات برای ارزیابی مثبت یا منفی از هویت‌های اجتماعی. این ارزش‌ها را هم در واژه‌ها و هم در دستور می‌توان جستجو کرد.

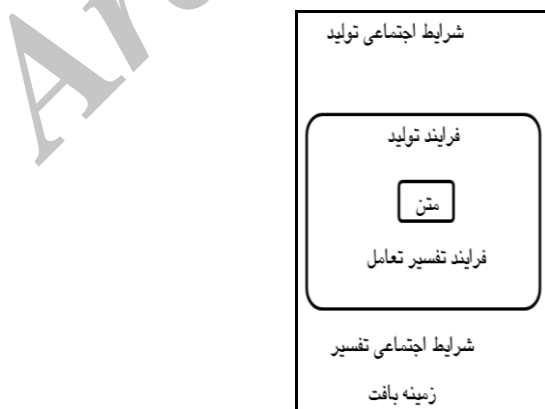
در خصوص واژه‌ها نیز کاربرد کنایه، استعاره، تشبیه، عبارت‌بندی‌های افراطی، حسن تعبیر، هم‌معنایی، شمول معنایی و ... می‌توانند مواضع ایدئولوژیک تولیدکننده متن را آشکار کنند.

تفسیر

در تفسیر، به تفسیر بافت موقعیتی و بافت بینامتنی و پیش‌فرض‌ها پرداخته می‌شود. تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهن مفسر هستند. «از منظر مفسر، ویژگی‌های صوری متن در حقیقت سرخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و تفسیر محصول ارتباط دیالکتیکی این سرخ‌ها و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر خواهد بود» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). در این مرحله به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستیم: ماجرا چیست؟ چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ روابط بین آنها چیست؟ متن متعلق به کدام مجموعه است؟ پیش‌فرض‌ها چه هستند؟

تبیین

در این مرحله توصیف گفتمان بخشی از یک فرایند اجتماعی محسوب می‌شود. در تبیین به تأیید دوسویه ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر ساختارها پرداخته می‌شود. در اینجا باید از نقش گفتمانی که متن را تولید کرده، سخن گفت. در این مرحله به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که این گفتمان‌های تولیدکننده متن متعلق به کدام فرایندهای نهادی و اجتماعی هستند. مرحله تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیر بازتولیدی می‌توانند بر ساختارها بگذارند - تأثیری که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختار بشود.



شکل شماره (۱). مدل سه‌بعدی گفتمان (فرکلاف، ۱۹۹۸: ۷۸)

شکل شماره (۱) نمایانگر سطوح گفتمان است. فرکلاف تحلیل گفتمان را در اینجا در سه سطح متفاوت در نظر گرفته است. در سطح اول گفتمان به مثابه متن است. در سطح دوم که وسیع‌تر از اولی است، گفتمان به مثابه تعامل بین تفسیر و تولید متن در نظر گرفته شده و سطح سوم که کلان است، گفتمان به مثابه زمینه است. متن در درجه اول دارای کلیتی است که خود بدان وابسته است. در داخل متن مجموعه‌ای از عناصر وجود دارند که به یکدیگر مرتبط هستند و کلیتی را تشکیل می‌دهند که به آن متن یا گفتمان می‌گویند.

متن یا گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی نیز متکی است که در فرایند تولید و تفسیر متن مؤثرند؛ لذا دومین مربع در این شکل حاکی از آن است که یک متن در چه فرایند گسترده‌ای تولید و تفسیر می‌شود. مربع سوم که بسیار گسترده است، نشانگر آن است که یک متن علاوه بر بافت متن و تفسیر متن شدیداً متأثر از شرایط اجتماعی است که در آن متن تولید و تفسیر می‌شود. به عنوان نمونه در شرح مدل سه‌سطحی فرکلاف می‌توان موضوع پژوهش حاضر را مثال زد. سطح اول یعنی متن را همان سرمقالات روزنامه‌های مربوط به دو جناح اصول‌گرا و اصلاح‌طلب تشکیل می‌دهند. تولیدکنندگان متن سرمقالات، به عبارت بهتر نویسندگان سرمقالات، جناح فکری مربوط به آنها، رابطه بین آنها و ماجرای اصلی که در سرمقالات به آن پرداخته شده است، سطح دوم تحلیل گفتمان را تشکیل می‌دهند. منظور از سطح سوم در این مثال، ارتباط بین اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان به عنوان دو نهاد اجتماعی و سیاسی مهم جامعه با دیگر نهادهای اعمال قدرت در جامعه و با ماجرای اصلی متن و تأثیر آنها در تولید متن سرمقالات است.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که پیش‌تر نیز شرح آن رفت، تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۳-۱- مرحله توصیف (تحلیل زبانی)

در این سطح با استفاده از ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی که به ترتیب با تجربه تولیدکننده متن از جهان اطراف، رابطه‌ها و ارزشیابی وی از بخشی از واقعیت مرتبط است، به تحلیل می‌پردازیم. به باور فرکلاف، تفاوت بین گفتمان‌ها بر اساس ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی که در واژگان و دستور آنها رمزگذاری شده است، به لحاظ ایدئولوژیک می‌تواند معنادار باشد. ناگفته نماند همه عناصر به کار رفته در گفتمان ماهیت ایدئولوژیک ندارند. چنانچه عنصری در گفتمان منجر به تغییر یا تضعیف روابط

قدرت، ایجاد نابرابری و سلطه گردد، بار ایدئولوژیک خواهد داشت.

در خصوص استراتژی‌های زبانی که در واژگان یا دستور رمزگذاری می‌شوند، می‌توان به تداعی معانی، استعاره، حسن تعبیر، تضاد معنایی، هم‌معنایی، کاربرد استعاری و کنش‌گری نامشخص، شیوه انتخاب نقل قول مستقیم در برابر غیرمستقیم، نحوه کاربرد وجه، فرایند اسم‌سازی و ... اشاره کرد که می‌توانند کانون منازعات ایدئولوژیک گفتمان باشند. در این قسمت جهت اجتناب از حجیم شدن سطح توصیف، با ذکر هر استراتژی و کاربرد آن در داده‌ها به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم.

عناوین مقالات

عنوانی که برای یک متن در نظر گرفته می‌شود، به نوعی نشان‌دهنده دیدگاه ایدئولوژیک نویسنده است و ابزارهای متفاوتی همچون برجسته‌سازی صوری عنوان مانند اندازه قلم، رنگ، محل قرار گرفتن عنوان در روزنامه، همه به نوعی در جهت توجه خواننده ایفای نقش می‌کنند. در بررسی عناوین به کار گرفته شده در روزنامه کیهان و شرق تفاوت‌های چشمگیری مشاهده شد. بررسی واژگان به کار رفته در عناوین روزنامه شرق متعلق به گفتمان اصطلاح‌طلب نشان از غلبه چشمگیر واژگان مثبت بر واژگان منفی داشت. به عنوان مثال باهم‌آیی‌های مثبت واژگانی "فرصت" در کنار "تحریم"، "مبارک" در کنار "برجام"، "برجام" و "میان‌روی" نوعی پیام مثبت و امیدبخش از برجام را در ذهن خواننده تداعی می‌کند.

چند نمونه از عناوین مقالات منتشرشده در روزنامه شرق:

- فرصت‌های پس از تحریم (۲۷ دی)
- فرصت همکاری جهانی (۲۷ دی)
- مثلث بهره‌وری برجام (۲۷ دی)
- اینک بدون تحریم (۲۷ دی)
- برجام و تقویت میان‌روی (۱۳ مهر)
- امنیت، ثبات، سرمایه‌گذاری پس‌برجام (۱۴ آبان)

در مقابل، در عناوین مقالات روزنامه کیهان متعلق به گفتمان اصول‌گرا، شاهد غلبه کاربرد واژگان منفی نسبت به واژگان مثبت در خصوص برجام هستیم. باهم‌آیی واژگانی به کار رفته در عناوین همواره نوعی تداعی منفی از برجام را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. به عنوان مثال در باهم‌آیی واژگانی "فرصت" و "تهدید" در عنوان "پس‌برجام، فرصت‌ها و تهدیدها" نویسنده با قرار دادن واژه "فرصت" در کنار واژه منفی "تهدید"، آنها را با «و» عطف به هم پیوند می‌دهد و سعی می‌کند این‌طور به ذهن خواننده القا کند که در کنار فرصت‌های برجام تهدیدهایی نیز وجود دارد.

از طرف دیگر، با توجه به اینکه اکثر عناوین به کار رفته در مقالات گفتمان اصطلاح‌طلب به شکل

عبارات اسمی بوده‌اند، در مقابل در گفتمان اصول‌گرا بیشتر عناوین در قالب جمله به کار رفته‌اند و کاربرد نشانه‌های سجاوندی نظیر علامت سؤال و علامت تعجب در عناوین مقالات اصول‌گرا بار معنایی بیشتری به عناوین داده و سعی در جلب توجه خواننده داشته است.

نمونه:

- توافق در چارچوب سند لوزان باخت است. (۲۱ تیر، کیهان)
 - فاجعه‌آفرینی برجام در گزارش کمیسیون ویژه (۱۲ مهر، کیهان)
 - شیرینی آدامسی! چه داریم و چه گرفتیم؟ (۲۲ دی، کیهان)
 - برجام با هزینه‌های سنگین آن نمی‌تواند یک الگوی موفق باشد. (۳ بهمن، کیهان)
 - آغاز عملیات اجرایی برجام با کدامین تضمین کتبی؟! (۱۱ آبان، کیهان)
- استفاده از راهبرد تشبیه مانند «شیرینی آدامسی!» که در آن لذت برجام به شیرینی آدامس تشبیه می‌شود که خیلی زود در دهان از بین می‌رود و یا عبارت‌بندی‌های افراطی همچون، «برجام با هزینه‌های سنگینش» یا واژگان منفی «فاجعه‌آفرینی»، «باخت»، «بی‌صدافتی»، «سونامی واردات»، «تهدید» و ... کانون مبارزه ایدئولوژیک گفتمان اصول‌گرا با گفتمان اصلاح‌طلب را نشان می‌دهند.

استراتژی تشبیه

گاهی نویسنده جهت شفاف‌سازی و عینیت‌بخشی بیشتر به مسئله مورد نظر، از این نوع استراتژی بهره می‌جوید. در مقالات مربوط به هر دو گفتمان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب از این راهبرد به کرات استفاده شده است. به عنوان مثال در جمله «آنچه ما ایرانیان در این نبرد فراگیر دیپلماتیک به دنیا نشان دادیم ...» (۲ دی، شرق)، نویسنده مذاکرات برجام را به نبردی دیپلماتیک تشبیه می‌کند. وی با این تشبیه در صدد است این مفهوم را به ذهن خواننده القاء کند که فرایند مذاکرات بسیار سخت بوده است یا در جمله «از این رهگذر می‌توان گفت ما در یک بازی نفس‌گیر برد-برد هستیم» (۳ دی، شرق)، نویسنده مذاکرات را به یک بازی تشبیه می‌کند، بدین معنا که روند مذاکرات سخت بود، اما ما برنده شدیم.

نمونه:

- تشبیه برجام به تورنمنت نفس‌گیر (۲۷ دی، شرق)
- تشبیه دیپلماسی به درخت صبر که میوه آن برجام است. (۲۷ دی، شرق)
- تشبیه دوران تحریم به زندانی که با برجام در آن باز شده: «در زندان باز شده و زنجیرها گسسته شد». (۳۰ دی، شرق)

- ترک برداشتن یخ‌های قطوری که ماشین اقتصادی ایران را در خود گرفته بود. (۱۳ مهر، شرق)
در گفتمان اصول‌گرا کمتر از کاربرد تشبیه استفاده شده است، اما در عین حال کاربرد ضرب‌المثل و کنایه در مقالات آنها دیده می‌شود که حاکی از تلاش این گفتمان برای القای بار معنایی بیشتر است.
نمونه:

- خر همان خر است، پالانش عوض شده است. (۵ بهمن، کیهان)
- پز عالی، جیب خالی؟! (۵ بهمن، کیهان)
- محتوای تحلیل‌ها ... حاکی از اتفاقی بزرگ، تاریخی و فتح‌الفتوح است! (۲۳ تیر، کیهان) [کنایه]
- ... انتظار آنان از توافق به اصطلاح تاریخی، خوردن سیب‌زمینی سرخ‌کرده آمریکایی است! (۳۰ تیر، کیهان)
- تشبیه رویارویی با پرونده ایران به نحوه رویارویی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با پرونده عراق: "اظهارات دوپهلوی و سیاسی آمانو درباره پرونده ایران شباهت بسیار زیادی با نحوه رویارویی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با پرونده دارد."
- ... این احتمال قوی است که عده‌ای چند ماه دیگر وقتی سراب توافق آشکار شد، وعده‌های خود را فراموش کنند ... (۱۸ مهر، کیهان)

استراتژی عبارت‌بندی افراطی

این نوع استراتژی نوعی ارزش تجربی در سطح توصیف متن است. عبارت‌بندی‌های افراطی، کانون مبارزه ایدئولوژیک نویسنده با گفتمان رقیب هستند. به عنوان مثال در جمله "با اعمال محدودیت‌های بی‌سابقه، صنعت هسته‌ای ایران به صنعتی نمایشی تبدیل می‌شود" (۲۱ تیر، کیهان)، نویسنده با آوردن عبارت "محدودیت‌های بی‌سابقه" سعی دارد شدت این محدودیت‌ها را برای خواننده روشن کند. "ممکن است عده‌ای این روش غلط و فاجعه‌انگیز دولت را به گردن تحریم‌ها بیندازند..." (۵ بهمن، کیهان)

"ماجرای پرهزینه و پرضرر برجام ..." (۵ بهمن، کیهان)

"... گزارشی که نشان از فاجعه‌آمیز بودن اجرای برجام داشت ..." (۱۲ مهر، کیهان)

"امروز بدون تردید یکی از بزرگترین روزهای تاریخ معاصر ایران است" (۲ دی، شرق)

"... مخالفان داخلی هم که امروز در مجلس شاهد نطق‌های آتشین و توپخانه سنگین‌شان علیه دولت ... خواهیم بود." (۱۹ مهر، شرق)

استراتژی کاربرد صفات مثبت یا منفی

تفاوت ارزش بیانی کلمات با یکدیگر در یک گفتمان می‌تواند به لحاظ ایدئولوژیک معنادار باشد؛ بدین معنا که نویسنده در گفتمان مدنظر خود در قالب صفات مثبت به بیان ارزش‌های خود می‌پردازد و صفات منفی را در گفتمان رقیب جای می‌دهد. در مقالات روزنامه کیهان به کرات دیده می‌شد که نویسنده ارزش‌های بیانی منفی را در گفتمان اصلاح‌طلب جای می‌دهد و در مقابل گفتمان اصلاح‌طلب نیز ارزش‌های بیانی مثبت را در مورد برجام به کار می‌برد و دوران تحریم را تنها با ارزش‌های بیانی منفی توصیف می‌کند.

به عنوان مثال در جمله «برجامی که اجرای آن بر اساس گزارش کمیسیون ویژه فاجعه‌آفرین و مصیبت‌بار است» (۱۲ مهر، کیهان)، نویسنده صفت منفی «فاجعه‌آفرین» و «مصیبت‌بار» را برای برجام به کار می‌برد یا در عبارت «توافق ژنو چیزی جز یک کلاهبرداری نبوده است» (۲۳ تیر، کیهان)، صفت منفی «کلاهبرداری» را برای توافق ژنو به کار می‌برد.

کاربرد این قبیل صفات با بار معنایی منفی، دیدگاه گفتمان‌اصول‌گرا را به برنامه برجام نشان می‌دهد و می‌تواند نظر خواننده را به سمت گفتمان نویسنده ترغیب کند.

بررسی مقالات در بازه زمانی مورد نظر نشان می‌دهد که روزنامه کیهان بیشترین کاربرد صفات منفی را داشته است و روزنامه شرق بیشتر سعی را در جلوه دادن ویژگی‌های مثبت برجام داشته است و در مواردی نیز دوران تحریم را به صورت منفی به تصویر کشانده است؛ به عنوان مثال در جمله «روز اجرای برجام روز تاریخی است ... تحریم‌هایی که عوارض مخرب زیادی برای ایرانیان داشته است و باز هم تاریخی چون دیپلماسی حرفه‌ای و گفت‌وگو بر درگیری و رنجش پیروز شده است» (۲۷ دی، شرق)، نویسنده صفت منفی «مخرب» را به تحریم‌ها نسبت می‌دهد و از برجام به عنوان روز تاریخی و دیپلماسی حرفه‌ای یاد می‌کند و صفات منفی درگیری و رنجش را در گفتمان اصول‌گرا قرار می‌دهد. از طرفی نویسنده با کاربرد این صفات به همراه قیود تشدید باعث افزایش بار ایدئولوژیک متن می‌شود و سعی می‌کند به تخریب وجهه گفتمان رقیب بپردازد.

نمونه:

- فاصله این توافق با کف خواسته‌های ما بسیار زیاد و غیرقابل گذشت است. (۲۳ تیر، کیهان)
- با توجه به اقدامات اساسی ایران ... این معادله از نظر بازگشت‌پذیری ... مخاطره‌آمیز ارزیابی می‌شود. (۱۲ مهر، کیهان)

- ... روزی بزرگ برای ملت، رهبر و دولتی بزرگ با منطق و عقلانیت خود ... (۲۷ دی، شرق)
- تیم قدرتمند و ارزشمند مذاکره‌کننده این ملت ... (۲۷ دی، شرق)
- این سربلندی و پیروزی بر شما مبارک باد. (۲۷ دی، شرق)
- ... این تنها یک توافق نیست، یک توافق خوب است، این شاهبیت توافق تاریخی بود. (۲۴ تیر، شرق)

استراتژی کاربرد مذهب

گاهی نویسندگان یک گفتمان جهت مشروعیت‌بخشی و همراه کردن اذهان خوانندگان با خود از آیات قرآنی و احادیث استفاده می‌کنند یا اینکه از شخصیت‌هایی نقل قول می‌کنند که در نظر خواننده جایگاه والایی دارند و با این کار سعی در القای مثبت ایدئولوژی خود می‌کنند. این استراتژی در هر دو گفتمان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب به چشم می‌خورد.

نمونه:

- به مصداق آیه کریمه «إِنَّ ... لَا يَغْيِرُوا مَا بَقِومَ حَتَّى يَغْيِرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» باور داشته باشیم دیر یا زود همان‌طور که دوران تحریم را پشت سر گذاشتیم، دوره محدودیت‌ها نیز از کنار هم عبور خواهند کرد. (۱۱ مرداد، شرق)
- همان‌طور که زندگی امام یازدهم به ما می‌گوید در تحریم در حصر و در محاصره بودن چه معنایی دارد چرا که آن امام در همه دوران زندگی‌اش در محاصره بود. (۳۰ دی، شرق)
- رهبر معظم انقلاب بر غیرقابل اعتماد بودن آژانس تأکید فرمودند. (۱۶ شهریور، کیهان)
- مولا علی (ع) فرمودند: با آدم متکبر و مستکبر باید مثل خودش رفتار کرد. (۵ بهمن، کیهان)
- به قول حضرت آقا: طرف اهل خدعه است. (۴ بهمن، کیهان)

استراتژی ذکر شواهد

گاهی نویسندگان گفتمان‌ها جهت عینیت‌بخشی بیشتر و آماده‌سازی ذهن مخاطب برای پذیرش ایدئولوژی مدنظر خود به ذکر شواهد و مثال در تأیید مطالب خود می‌پردازند.

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که این استراتژی در روزنامه کیهان بیشتر به چشم می‌خورد و نویسندگان گفتمان اصول‌گرا پیوسته در شمردن ویژگی‌های منفی برجام، به ذکر شواهد می‌پردازند. در عین حال در روزنامه شرق نیز در مواردی که به تحریم‌ها اشاره می‌شود، نویسندگان به ذکر شواهد می‌پردازند تا سختی دوران تحریم را در ذهن مخاطب تداعی می‌کنند.

نمونه:

- ... دوره‌ای که یک استاد دانشگاه نمی‌توانست یک کتاب از ناشران خارجی از طریق الکترونیک بخرد ... (۲۷ دی، شرق)
- ... محدودیت دارو برای بیماران خاص، سقوط هواپیما، خودروهای مونتاژ با کیفیت پایین ... (۳۰ تیر، شرق)
- ... انتشار متن اصلی نشان داد که واقعیت‌های موجود چیز دیگری است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد ... (۲۳ تیر، کیهان)
- مبنای نادرستی در برجام پذیرفته شده که قابل قبول نیست، از جمله استثناء شدن ایران، جایگزین شدن اجازه به جای حق ایران ... (۲۶ مرداد، کیهان)

استراتژی بیان نقل قول مستقیم در برابر غیرمستقیم

در این نوع استراتژی نویسنده با ذکر نقل قول مستقیم از افراد مهم و سرشناس و گاهی مذهبی سعی دارد خواننده را در مسیری قرار دهد که خود به نتیجه‌ای برسد که مدنظر نویسنده است. کاربرد نقل قول مستقیم در گفتمان اصول‌گرا بسیار چشمگیر بود به طوری که اکثر مقالاتی که در روزنامه کیهان منتشر شده بود، مملو از نقل قول‌های مستقیم از افراد سرشناس و مذهبی بود که در جهت تخریب وجه گفتمان رقیب بودند. این استراتژی در گفتمان اصلاح طلب کمتر به چشم می‌خورد.

نمونه:

- جان کری وزیر امور خارجه آمریکا گفت: ... ایران راکتورهای آب سنگین را دست‌کم به مدت ۱۵ سال نخواهد ساخت. (۲۲ تیر، کیهان)
- کری تصریح کرد، این توافق خوبی است که ما به دنبال آن بودیم. (۲۱ تیر، کیهان)
- نیویورک تایمز به نقل از یک مقام آمریکایی نوشت: وزیر امور خارجه آمریکا امیدوار است پس از تثبیت برجام با ایران در خصوص پیمان حمایت از دولت سوریه با ایران گفتگو کند. (۱۰ مرداد، کیهان)
- مدیر کل آژانس ... در اظهاراتی دوپهلو گفت آژانس عدم انحراف در فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تأیید می‌کند ولی نمی‌تواند در مورد عدم وجود فعالیت‌های غیراعلام‌شده تضمینی ارائه دهد. (۱۶ شهریور، کیهان)

- کری گفته: ایران قصد دارد تعهدات خود را هرچه فوری اجرا کند و دولت او با ما نیز آماده‌چنین کاری است. (۱۹ دی، شرق)

مثال‌های بالا تنها چند نمونه از انواع استراتژی‌هایی است که در متون مربوط به دو گفتمان رقیب به کار رفته است. استراتژی‌های دیگری نیز در این متون به کار رفته بود که نشان‌دهنده چگونگی رمزگذاری ایدئولوژیک ارزش‌های تجربی، بیانی و رابطه‌ای از منظر دستوری بود. به عنوان مثال کاربرد کنش‌گری نامشخص و فرایند اسم‌سازی از جمله ویژگی‌های دستوری هستند که می‌توانند بار ایدئولوژیک داشته باشند.

در فرایند اسم‌سازی آنچه نویسنده تصور دارد به عنوان مطلب مهم آن را برجسته کند، به شکل مصدر در ابتدای جمله قرار می‌دهد تا بیش از پیش نظر خواننده را جلب کند. به عنوان نمونه در جمله "تنزل دادن گشایش اقتصادی به حضور چند برند مشهور لوکس جهان در کشور خطی است که جریان فوق در حال فضاسازی آن است" (۳۰ تیر، کیهان)، پیامد مهم‌تر از عامل است، لذا پیامد امر به شکل عبارت اسمی در ابتدای جمله قرار می‌گیرد که جایگاه کانونی و مهم جمله است. به عنوان دیگر نمونه، می‌توان به استراتژی تداعی معانی اشاره کرد که در آن نویسنده با ذکر یک واژه سعی دارد معنایی را به ذهن خواننده متبادر کند که مدنظر وی است و بار ایدئولوژیک دارد، به عنوان مثال در جمله "دوره‌ای سخت را از سر گذرانده‌ایم" (۲۷ دی، شرق)، گفتمان اصلاح‌طلب با آوردن عبارت "دوره‌ای سخت" قصد دارد دوره‌ای را به ذهن خواننده تداعی کند که از آن به عنوان دوره سخت یاد می‌کند و بعد به ذکر شواهدی از آن دوره می‌پردازد تا آنها را به یاد خواننده بیاورد. "... زمانی که ال‌سی‌ها باز نمی‌شد، پول‌های ایران در کشورهای آسیایی بلوکه می‌شد ...".

در این بین از کاربرد استراتژی علائم سجاوندی و تصاویر نیز نباید غافل شد که همه در جهت القای ایدئولوژی گفتمان مدنظر مؤثرند. به عنوان مثال، در گفتمان اصول‌گرا به کرات از علامت تعجب و سؤال استفاده شده است و کاربرد این استراتژی در گفتمان اصلاح‌طلب کمتر دیده شد.

از جمله موارد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، برچسب‌دهی منفی به گفتمان رقیب است که نویسنده جهت تخریب وجهه گفتمان مدنظر از آن سود می‌برد. به عنوان مثال در گفتمان اصول‌گرا از روزنامه‌های متعلق به گفتمان اصلاح‌طلب تحت عنوان "روزنامه‌های زنجیره‌ای"، "جریان خاص" و "جریان تابلودار داخلی" نام برده شده است.

از آنجا که پرداختن به انواع استراتژی‌های زبانی از جمله وجوه دستوری باعث حجیم شدن بخش

توصیف خواهد شد، به ذکر استراتژی‌های فوق بسنده کردیم. مطلب دیگری که حائز اهمیت است، بحث کمیت مطالب منتشرشده در دو گفتمان رقیب است که بررسی داده‌ها حاکی از آن بود که تعداد مقالات منتشرشده در روزنامه کیهان در خصوص برجام در بازه زمانی مورد نظر بیش از روزنامه شرق بود؛ به طوری که گاهی دیده می‌شد که در یک شماره از بخش سرمقاله گرفته تا ستون ویژه و یادداشت روز همه به مسئله برجام پرداخته بودند.

۳-۲- مرحله تفسیر

فرکلاف در مرحله تفسیر به بافت موقعیتی، بینامتنی و نظم گفتمانی اشاره می‌کند. وی در این مرحله ۴ سؤال اساسی مطرح می‌کند که عبارتند از: ماجرا چیست؟ چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ روابط میان آنها چیست؟ نقش زبان در این خصوص چیست؟ فرکلاف در توضیح دقیق‌تر مرحله تفسیر می‌نویسد:

«... تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهن مفسر است ... از منظر مفسر ویژگی‌های صوری متن در حقیقت سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و تفسیر محصول ارتباط دیالکتیکی این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر خواهند بود».

(فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵)

پرسش‌هایی که در قسمت فوق مطرح شد، مربوط به بافت موقعیتی است و بافت بینامتنی و پیش‌فرض‌ها را نیز نباید نادیده گرفت که در آن در تفسیر متن به ارجاعات متن به متون دیگر توجه می‌شود و پیش‌فرض‌های مولدین متون روشن خواهد شد و مفسر سعی می‌کند پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک متن را آشکار کند.

ماجرا چیست؟ ماجرای اصلی در رخداد ارتباطی انتخاب‌شده برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) توافقی بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای ایران است که در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ میلادی میان ایران و گروه ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و انگلیس) در شهر وین اتریش صورت گرفت. چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ دو مشارکت‌کننده عمده در این بافت موقعیتی وجود دارد. در یک طرف، گفتمان اصول‌گرا و متون مربوط به آنها از جمله روزنامه کیهان و در طرف دیگر، گفتمان اصلاح‌طلب و روزنامه‌های مربوط به آنها از جمله روزنامه شرق است. مشارکت‌کننده اصلی برجام و مجرای سیاست‌های آن، دولت و تیم مذاکره‌کننده است که در گفتمان اصلاح‌طلب جای دارند. در این میان مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور و سایر نهادهای امنیتی و سیاسی کشور به نوعی در آن سهم دارند.

روابط میان آنها چیست؟ منظور از روابط، مناسبات قدرت و فاصله اجتماعی میان مشارکین گفتمان است، مانند تعامل، تقابل، فرادستی یا فرودستی. در برنامه برجام نقش اصلی را اصلاح‌طلبانی بر عهده دارند که در حال حاضر در موضع قدرت هستند و در مقابل اصول‌گرایان در توافق هسته‌ای نقش سیاسی کم‌رنگ‌تری داشته‌اند.

نقش زبان چیست؟ زبان نقش مهمی دارد، چرا که ایدئولوژی تولیدکننده یک گفتمان در قالب زبان بروز و تجلی می‌یابد.

در خصوص استفاده از شیوه‌های بینامتنیت نیز گفتمان اصول‌گرا بیشتر از آن بهره برده است. در این میان می‌توان به مواردی اشاره کرد که در آن تولیدکنندگان گفتمان جهت عینیت‌بخشی و شفاف‌سازی به مواردی تاریخی اشاره می‌کنند و آن را قابل قیاس با موضوع مورد بحث خود می‌دانند. به عنوان مثال گفتمان اصول‌گرا که تا حدودی مخالف مذاکرات هسته‌ای و توافق هسته‌ای است، در جای‌جای متون خود به مواردی در تاریخ کشورهای دیگر اشاره می‌کند که هر جا با آمریکا مذاکره و توافق شد، در نهایت چیزی جز شکست و سرخوردگی به بار نیاورد؛ به عنوان مثال روزنامه کیهان در یکی از مقاله‌هایش با عنوان «ورق خوردن تاریخ با سیب‌زمینی سرخ کرده؟!» (۳۰ تیر، کیهان) به ارتباط بین توافق هسته‌ای و بازگشایی رستوران مک‌دونالد در ایران پرداخته و اشاره به مواردی از این دست در کشورهای مثل چین و شوروی سابق می‌کند که با بازگشایی شعبه مک‌دونالد در این کشورها چه بر سر مردم آنها آمد و آن وارد شدن فرهنگ غربی به این کشورها بود و از این طریق به خواننده القا می‌کند که چنین سرنوشتی منتظر ما نیز خواهد بود.

۳-۳- مرحله تبیین

هدف از مرحله تبیین توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. تبیین عبارت است از «دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

در مرحله تبیین، فرکلاف از تأثیر متقابل گفتمان بر ساختارها و ساختارها بر گفتمان می‌گوید. باید از نقش گفتمانی که متن مورد نظر را تولید کرده بر ساختار سخن گفت نه از نقش متن مورد تحلیل بر ساختار، چرا که متن به واسطه گفتمان مولدش توانایی تأثیرگذاری بر ساختار را دارد. در تبیین محقق گفتمان را به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در مناسبات قدرت می‌بیند. در این مرحله دو سؤال عمده مطرح است: این گفتمان‌ها متعلق به کدام فرایندهای نهادی هستند؟ این گفتمان‌ها به کدام

فرایندهای اجتماعی تعلق دارند؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت چارچوب کلی متون مورد بررسی شامل دو گفتمان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب است که هر دو با نهادهای دیگری همچون اقتصاد، سیاست، جامعه در ارتباط هستند؛ لذا می‌توان گفت در ماجرای مورد بررسی نهادهای متفاوتی نقش داشته‌اند از جمله نهاد دولت، وزارت کشور، شورای امنیت ملی، تیم مذاکره‌کننده، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ...

در پاسخ به پرسش دوم باید گفت در اینجا منازعه است میان دو گفتمان رقیب (اصلاح‌طلب و اصول‌گرا) که هر دو بخشی از فرایند اجتماعی محسوب می‌شوند. منازعه میان گروهی که در قدرت است، یعنی اصلاح‌طلبان و گروهی که در مقام فرودست قرار دارد، یعنی اصول‌گرایان. قدرت مسلط در اینجا یعنی دولت و تیم مذاکره‌کننده که بر گفتمان اصول‌گرا و سایر گروه‌های اجتماعی سلطه سیاسی و اقتصادی دارد. از آنجا که دولتی که به وجود می‌آید، پیرو ایدئولوژی شخص رئیس‌جمهور است، لذا سعی می‌شود در انتخاب اعضاء تشکیل‌دهنده دولت و بعضاً اکثر نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، اعضائی انتخاب شوند که در جهت گفتمان مورد نظر دولت و ایدئولوژی آن باشند. نکته جالب توجه این است که هر دو این گفتمان‌ها سعی داشته‌اند به نوعی حمایت اقشار و لایه‌های متفاوت مردم را از ایدئولوژی خود نشان دهند.

۴- نتیجه‌گیری

هدف از تحلیل انتقادی یک گفتمان، کشف ارتباط میان زبان، ایدئولوژی و قدرت و نشان دادن باورها و ارزش‌های ایدئولوژیکی است که به صورت طبیعی جلوه یافته‌اند. در میان رویکردهای متفاوت تحلیل گفتمان انتقادی، امتیاز رویکرد فرکلاف در این است که گفتمان را به عنوان یک رخداد زبانی بحثی از فرایند اجتماعی به حساب می‌آورد. وی بر خلاف فوکو (۱۹۸۲)، لاکلا و موفه (۱۹۸۵) که همه پدیده‌های اجتماعی را گفتمانی می‌دانند به جنبه‌های غیرگفتمانی امور توجه داشته و گفتمان را با امور غیرگفتمانی تفسیر و تحلیل می‌کند؛ لذا رویکرد وی روشمندتر است و قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری دارد.

در این جستار در قالب رویکرد فرکلاف و با هدف آشکارسازی ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک متون منتشرشده در روزنامه‌های شرق و کیهان متعلق به دو گفتمان اصلاح‌طلب و اصول‌گرا کوشیدیم به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهیم.

تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن بود که هر دو گفتمان رقیب در متون تولیدشده خود حول محور

برجام کوشیده‌اند با بهره‌گیری از استراتژی‌های زبانی همچون روابط مفهومی واژه‌ها اعم از باهم‌آیی‌ها، تشبیه، کنایه، علائم سجاوندی، نقل قول و ... موضع ایدئولوژیک خود را نشان دهند و به تخریب وجهه گفتمان رقیب بپردازند. گرچه کاربرد بعضی استراتژی‌ها همچون نقل قول‌ها، علائم سجاوندی و کمیت زبانی در گفتمان اصول‌گرا بیشتر به چشم می‌خورد، گفتمان اصلاح‌طلب بیشتر سعی در بازنمایی مثبت برجام داشته و کمتر به ارزشیابی منفی گفتمان رقیب پرداخته است. در عین حال گفتمان اصول‌گرا، با بهره‌گیری بیشتر از نقل قول‌های مستقیم و ذکر شواهد سعی می‌کرد خواننده را به طور طبیعی در مسیری قرار دهد که به آن نتیجه‌ای برسد که دلخواه نویسنده است.

منابع

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. مترجم: گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- Fairclough, N. (1989). Language and Ideology. *English Language Research Journal*, 3: 9-27.
- (1992). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- (1993). Critical Discourse Analysis and the Marketization of Public Discourse: the Universities. *Discourse and Societies*, 4, 68-133.
- (1995). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.
- (1998). *Language and Power*. London: Longman Group UK Limited.
- Foucault, M. (1982). The Subject and Power. *Critical Inquiry*, 8(4), 777-795.
- Johnstone, B. (2008). *Discourse Analysis*. London: Blackwell Publishing.
- Laclau, F. & C. Mouffe (1985). *Hegemony and Socialist Strategy*. London: Verso.
- Van Dijk, T. (1985). *Handbook of Discourse Analysis*. Orlando: Academic Press.
- (1988). *News as Discourse*. Hillsdale NJ: Lawrence Erlbaum.
- (1990). Discourse and Society. *A New Journal for a New Research Focus, Discourse and Society*, 1(1), 5-16.
- (1997). *Discourse as Social Interaction*. London: Sage.